«نوواقع گرایی» و منفعت استراتژیک استکبارستیزی

اصل اول در تحقق منفعت های استراتژیک همان مبانی طرح شده در دیدگاه «نوواقع گرایی» است که می گوید مولفه قدرت به عنوان مبنای منفعت، تنها توان نظامی نیست بلکه همه مولفه های قدرت از مادی گرفته تا معنوی قابل توجه و بررسی است. لذا امروز اگر دارای قدرتی در منطقه و جهان هستیم به خاطر در پیش گرفتن همین رویکرد استکبار ستیزی بوده که شاید در ابتدا نگاهی منفعت طلبانه نیز به آن نداشته ایم و صرفا بر ایمان به عنوان یک آرمان واقعی مطرح بوده است.

مدیر مسئول روزنامه خراسان تشریح کرد:

منافع و مبانی عقلانی و تاریخی عدم رابطه و مذاکره با آمریکا

احدیان: تصور غیر عقلانی بودن ممنوعیت مذاکره با آمریکا محصول انعکاس شعاری آرمان های انقلاب است

جمال رستم زاده- مدیر مسئول روزنامه خراسان هفته گذشته در جمع روحانیون شاغل در عقیدتی سیاسی یگان های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران که برای شرکت در هشتمین دوره «بصائر» در مشهد حضور پیدا کرده بودند با ارائه تحلیلی از وضعیت روز جهان به تشریح دلایل عدم اثر بخشی مذاکره و رابطه با آمریکا پرداخت و مواضع ترامپ رئیس جمهور جدید آمریکا در موضوع برجام را تبیین کرد. دکتر محمد سعید احدیان در این نشست همچنین به برخی سوالات حاضران در جلسه پاسخ داد که مشروح آن را در ادامه می خوانید.

■ حامیان رابطه و مذاکره با آمریکا چه می گویند؟

وقتی پیرامون رابطه ایران و آمریکا صحبت می کنیم با چند نگاه در جامعه رو به رو هستیم. در کنار نگاهی که با اصل این مسئله موافق است دیدگاهی هم وجود دارد که وقتی می گوییم مذاکره و رابطه با آمریکا نه، تصور می کند این حرف از روی لجاجت و تعصب است و مبنای عقلانی و منطقی ندارد و در واقع صاحبان این تفکر بر این باورند که چون در ابتدای انقلاب، ادعایی در این رابطه مطرح کرده ایم یا امام در طول مبارزات خود علیه رژیم شاهنشاهی و پس از آن رابطه با آمریکا را به عنوان خط قرمز انقلاب اسلامی مطرح کرده است حالا نمی خواهیم یا نمی توانیم از این مواضع عدول کنیم. بر مبنای همین نگاه این استدلال مطرح می شود که چون دنیا تغییر کرده و مناسبات جهانی بر محور تعاملات منطقه ای و بین المللی شکل گرفته است ما نیز باید در این مواضع و رویکردها تغییر ایجاد کنیم و لازم است تا با کشوری مثل آمریکا که یک قدرت موثر در تصمیمات بین المللی به حساب می آید مذاکره کرده و رابطه برقرار کنیم.

■ تلاش برای رابطه با آمریکا؛ محصول انعکاس شعاری آرمان های انقلاب

واقعیت این است که وجود این نگاه در جامعه محصول انعکاس شعاری آرمان های انقلاب است. البته از یک منظر رسانه ها نیز در این میان بی تقصیر نیستند. با این حال برآیند این اقدامات و نگاه شعارگونه به آرمان های انقلاب بدون تبیین اصول منطقی آنها باعث شده به جای استدلالی منطقی، تصویری متعصبانه پیرامون دلایل عدم برقراری رابطه با آمریکا شکل بگیرد. در حالی که اگر فقط در میان فرمایشات رهبر معظم انقلاب طی سال های اخیر جستجو کنیم می بینیم منطقی ترین استدلال ها درباره این موضوع به دفعات مطرح شده است که نشان می دهد این موضع کاملا مبنایی عقلانی داشته و مبتنی بر تجربیات فراوان تاریخی است. همین استدلال ها می تواند پاسخی به سوالات مطرح در جامعه باشد؛ زیرا اکنون یکی از سوالات کلیدی در این خصوص این است که چرا استکبار ستیزی و به عنوان معنای اتم آن مقابله با آمریکا در میان اساسی ترین راهبردهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی گنجانده شده است؟ پاسخ این سوال در یک جمله این است که استکبار ستیزی برای ما هم یک آرمان ایدئولوژیک و هم یک منفعت استراتژیک محسوب می شود. از سوی دیگر تجربیات تاریخی ما نیز این نگاه را تایید و تاکید می کند.

■ رابطه میان اعتقادات دینی و استقلال طلبی با آرمان های ایدئولوژیک

اما فراتر از این بیان باید گفت از نگاه آرمانی ما مسلمانیم و اعتقاداتی داریم که پایبندی و عمل به آن ها، خط مشی تعیین می کند و ملاک عمل ما قرار می گیرد. برای همین و بر اساس آن ها آرمان های ایدئولوژیک خود را تعریف کرده ایم. در این میان ممکن است به خاطر منافع ملی و مصالح اجتماعی و سیاسی تحقق کامل برخی آرمانها را با تاخیر پیگیری کنیم اما بر سر دست یافتن به اصل آن هیچگاه ابهامی وجود نداشته است. از جمله این مبانی اعتقادی نص صریح قرآن کریم است که بر ایستادگی در مقابل ظلم تاکید دارد و عمل به آن برای ما از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مبانی فکری ما درباره ظهور حضرت ولی عصر (عج) و اینکه انقلاب اسلامی ما زمینه ساز و مقدمه ظهور منجی عالم بشریت خواهد بود نیز از دیگر اعتقاداتی است که با مسئله استکبار ستیزی ارتباطی ناگسستنی دارد. چرا که در باور ما ظهور امام عصر (عج) برای رهایی مظلومان عالم از قید و بند استکبار و با شعار تظلم خواهی صورت می پذیرد و این قطعا با تعامل و مذاکره و رابطه با مصداق اتم و عینی استکبار ورزی در جهان معاصر سنخیتی ندارد بلکه در تعارض است. دومین مسئله ای که ضرورت استکبار ستیزی ملت ایران را قوام می بخشد موضوع استقلال طلبی است و حساسیتی که ملت ما بر حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور دارد به طوری که مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی در طول سال های گذشته از عمر خود ثابت کرده اند که پای حفظ استقلال کشور هر هزینه ای را می پردازند چه اینکه اساس برقراری و ایجاد نهضت انقلابی ملت ایران با شعار استقلال و آزادی آمیخته شد و این آرمان پس از سال ها مجاهده و به دنبال تقدیم صدها هزار شهید به دست آمده است.

■ نوواقع گرایی و منفعت استراتژیک استکبارستیزی

با این همه شاید برای تفهیم و تبیین اصل استکبار ستیزی سخن گفتن با مردم به ویژه نسل جدیدی که مبارزات انقلابی ملت ایران را ندیده اند از منظر آرمان های ایدئولوژیک کار ساده ای نباشد اما بی تردید بر شمردن منفعت های استراتژیک این مسئله می تواند در همراهی و همسویی جامعه موثرتر باشد. از این رو باید بگوییم اصل اول در تحقق منفعت های استراتژیک همان مبانی طرح شده در دیدگاه «نو واقع گرایی» است که می گوید مولفه قدرت به عنوان مبنای منفعت که اجازه می دهد تا یک کشور در عرصه منطقه ای و بین المللی نقش آفرینی کند تنها توان نظامی نیست بلکه همه مولفه های قدرت از مادی گرفته تا معنوی قابل توجه و بررسی است. از این حیث قطعا رویکرد استکبار ستیزی جمهوری اسلامی ایران بخشی از مولفه قدرت ایران به شمار می آید چه اینکه این رویکرد از ابتدای مبارزات نهضت و سالهای اول پیروزی انقلاب توسط امام خمینی (ره) پایه گذاری شد و بعدا نیز در همه سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط اشخاص دیگر تاکید و تبیین شد. به دیگر سخن می توان گفت امروز اگر دارای قدرتی در منطقه و جهان هستیم و توانسته ایم قدرتهای دیگر از شرق گرفته تا غرب را مضمحل کنیم به خاطر در پیش گرفتن همین رویکرد استکبار ستیزی بوده که شاید در ابتدا نگاهی منفعت طلبانه نیز به آن نداشته ایم و صرفا بر ایمان به عنوان یک آرمان واقعی مطرح بوده است.

■ استکبارستیزی و قدرت منطقه‌ای ایران

با این همه امروز جهان اسلام به عنوان مجموعه ای که به لحاظ ایدئولوژیک با رژیم صهیونیستی و حامی آن آمریکا در تقابل قرار دارد به رویکرد استکبار ستیزی ایران می نگرد و روی آن حساب باز کرده است به گونه ای که با سپر قدرتی که از این مسئله فراهم شده است پیش روی دشمن ایستاده و عرض اندام می کند. دنیای اسلام به خاطر قدرت ایران که محصول این نگاه بوده به ما ایمان و باور دارد. این استکبار ستیزی به ایران در منطقه و جهان نقش تعیین کنندگی داده است. چرا که کشوری که روزی در کوچکترین مسائل داخلی وابسته به اخذ نظر آمریکا بود امروز این قدرت را به چالش کشیده و وادار ساخته است تا برای حل پاره ای مسائل به دنبال تعامل با ایران باشد. اروپا نیز امروز وضعیتی مشابه آمریکا دارد به طوری که حتی مدتها پیش از امضای سند برجام در جایی تصویب و تاکید می کند که اروپا باید در حوزه خاورمیانه سیاستی جدای از آمریکا در پیش بگیرد و با ایران وارد تعامل شود.(۱)

■ افزایش عمق نفوذ راهبردی ایران در منطقه و جهان

اینها همه دلایل روشنی است بر ضرورت وجود و ادامه سیاست استکبار ستیزی که باعث شده تا ایران با افزایش عمق نفوذ راهبردی خود در منطقه و جهان به یک قدرت مبدل شود. باید توجه داشت امروز اگر با اشاره مقام معظم رهبری در کرانه باختری هم حرکتهای ضد صهیونیستی شکل می گیرد یا اگر در سوریه، یمن، عراق و... مبانی استکبار ستیزی انقلاب اسلامی پیگیری می شود نشانه عمق نفوذ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. اگر این رویکرد را نداشتیم الان قدرت حزب ا... لبنان در کنار گوش رژیم صهیونیستی شکل نگرفته بود که خواب را از چشمان آن برباید.(۲) به برکت این نگاه که مرهون تلاش امام عزیز است اکنون در نقطه ای قرار داریم که هیچ مسئله ای در منطقه بدون حضور و مشورت با ایران قابل حل نیست و این را همه دنیا پذیرفته و باور دارد.

■ تجربه تلخ اخوان المسلمین مصر در اعتماد به استکبار

اما سومین مسئله ای که می توان با آن استکبار ستیزی ملت ایران را تبیین کرد، تجربیات تاریخی این ملت است. به طوری که هر گاه در طول تاریخ این ملت در مسیر استکبار ستیزی کوتاهی کرده یا از تقابل مستقیم با آمریکا رویگردان شده، زیان دیده است. این تجربه را می توان با نگاه به حوادث سال های اخیر منطقه نیز به وضوح دید. نمونه برجسته آن شاید همین رفتار اخوان المسلمین مصر بود که با وجود اقداماتی که در تقابل با آمریکا صورت داده بودند پس از به قدرت رسیدن تصور کردند از طریق تعامل با آمریکا می توانند پایه های حکومت خود را تقویت کنند اما امروز رئیس جمهور برگزیده شان در زندان به سر می برد و در انتظار اجرای حکم اعدام است. این نتیجه اعتماد به استکبار است. بر کسی پوشیده نیست که در نگاه از بالا به پایین مدل استکباری هر اقدامی که در جهت تامین منافع باشد حتی اگر منافع ملت های دیگر را به خطر بیندازد یا نابود کند، می تواند صورت پذیرد. آنچه در این میان نیز کمترین اهمیت را دارد تعهد، وعده ها و وعیدهاست. تفاوتی هم بین این نگاه استکباری میان چهره های مختلف حاکم بر این جریان در سالهای متمادی وجود ندارد. اوباما اگرچه تلاش کرد در اواخر دوره ریاست جمهوری اش چهره ای صلح طلب از خود بر جای بگذارد اما اگر در سوابق او نگاه کنیم می بینیم با یک جنایتکار جنگی رو به رو هستیم که اقدامات او دست کمی از بوش و دیگر رئیس جمهورهای آمریکا ندارد.

■ راه برخورد با استکبار، استکبار است

سوال اینجاست که چه باید کرد؟ در نگاه دینی راه برخورد با استکبار، استکبار است. باید در مقابل این تفکر متکبرانه با شدت و حدّت ایستاد. این را هم آرمان ایدئولوژیک، هم منفعت استراتژیک و هم تجربه تاکید می کند. هر جا عقب نشستیم دشمن جلو آمد. ایستادگی نکردیم فشار را افزایش داد. در موضوع هسته ای هم آنچه امروز اتفاق افتاده و پس از گفت و گوهای طولانی و مذاکرات مستمر به برجام رسیده است، فراتر از ارزیابی ها و مثبت یا منفی انگاشتن آن، تنها نتیجه مذاکره نیست بلکه آثار ۱۲ سال مقاومت است؛ چه بسا اگر بیشتر از این هم مقاومت می کردیم بیش از اینها می توانستیم امتیاز بگیریم. بنا بر این کنار گذاشتن این رویکرد و اعتماد به وعده های آمریکا به عنوان نماد استکبار جهانی اشتباهی نابخشودنی است. با این وصف کدام منطقی اجازه می دهد تا به دست خودمان یکی از مهمترین مولفه های قدرت کشور را کنار بگذاریم و در نهایت نیز چیزی هم عایدمان نشود.

■ چرا مذاکره با آمریکا خط قرمز است؟

حالا در این میان برخی این مسئله را نیز مطرح می کنند که در مذاکره به دنبال برقراری رابطه نیستیم و می پذیریم که در رابطه با آمریکا منفعتی وجود ندارد اما چرا نباید با آمریکا مذاکره کنیم؟ سوالی منطقی و درست است. چون اصل برقراری رابطه و مذاکره دو مقوله جدا از یکدیگر است و الزاما هر مذاکره ای به برقراری رابطه ختم نمی شود و می تواند به منظور دستیابی به اهدافی صورت پذیرد. اگر چه شاید افکار عمومی بین این دو تفاوتی قائل نباشد. با این حال به نظر می رسد خود مذاکره نیز در جایی که به نتیجه آن امیدی نیست یا ارزش ریسک کردن ندارد منطقی نیست. چرا مذاکره باید در جایی که اطمینان داریم منفعتی ندارد یا نتیجه مطلوبی به دنبال آن حاصل نمی شود و حتی مواضع و جایگاه جهانی و منطقه ای ما را به خطر می اندازد یا لااقل تضعیف می کند انجام شود.

در مذاکره با آمریکا حتی اگر این مذاکره به نتیجه نرسد اصل نشستن دور یک میز و انعکاس این نشست و برخاست ها در رسانه های جهان می تواند به کاهش یکی از مولفه های قدرت جمهوری اسلامی ایران که همان رویکرد استکبار ستیزی است منجر شود. این می تواند امید و اطمینان جهان اسلام، ملت های منطقه و محور مقاومت را به ایران خدشه دار کند. یا حتی ایمان و باور سربازی که در سوریه در حال جنگ با استکبار و عوامل آن است را نابود کند. این مذاکره می تواند جریان غرب گرای داخل کشور را به سمت برقراری رابطه و استمرار بر مذاکره پیرامون موضوعات دیگر نیز سوق دهد. اینها اثرات منفی شروع مذاکره است. ما که در نهایت از پی این مذاکرات به رابطه نمی رسیم پس چرا این داشته ها را بفروشیم؟ ما قطعا با استکبار در منافع استراتژیک و حیاتی تضاد و تقابل داریم. وقتی این منافع استراتژیک قابل مذاکره نیست چرا باید دور یک میز بنشینیم؟

عکس: دهقانی

■ تغییر هنجارهای قدرت در منطقه توسط ایران

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران در طول سالهای گذشته از عمر این نظام تلاش کرده تا هنجارهای بین المللی و قاعده های ناعادلانه دنیا مثل ساختارهای سازمان ملل و ترس ناخواسته و غیر منطقی کشورهای کوچک از ابر قدرتهای خود ساخته جهان مثل آمریکا را تغییر دهد. دقیقا همان چیزی که حافظ منافع آمریکا ست. این برای آمریکا نگرانی ایجاد می کند. آمریکا بدون شورای امنیت و بدون آن چهره خود ساخته، چیزی نیست. ما در این زمینه سالهاست که با شکستن ابهت آمریکا و برخی به اصطلاح ابرقدرت های دیگر توانسته ایم این قواعد را تغییر دهیم. امروز در سوریه علیرغم خواست و اراده آمریکا بشار اسد همچنان بر مسند قدرت قرار دارد. بر اساس اصول سیاست بین الملل، هنجارهای بین المللی است که روابط بین المللی را ایجاد می کند. این هنجارها اگر تغییر کند معادلات منطقه ای و جهانی به هم می ریزد و دگرگون می شود. ایران چنین کاری کرده است؛ به طوری که در سایه همین تغییر معادلات، گاهی عربستان هم جلوی آمریکا می ایستد. این محصول ایستادگی و استکبار ستیزی ماست.

■ با وجود تضاد منافع استراتژیک در مذاکره نتیجه ای حاصل نمی شود

اسرائیل هم از دیگر موضوعاتی است که ما درباره آن با آمریکا تضاد و تقابل داریم ما می گوییم اسرائیل نباشد اما آمریکا برای ادامه حیات این رژیم تلاش می کند. قطعا در این مسئله رویکرد دو طرف قابل جمع نیست. از سوی دیگر و شاید از همه مهمتر این است که مذاکره بر سهم ما در نظم نوین آینده جهان اثر گذار خواهد بود. بعد از فروپاشی شوروی سابق هنوز جهان نتوانسته سهم قدرتهای مختلف جهانی را تعیین کند و هنوز در دوران گذار به سر می برد. در این دوره هر کس بتواند سهم بیشتری را از آن خود کند در آینده نقش تعیین کننده تری در جهان خواهد داشت.

■ بخشی از زیان های مذاکره با آمریکا

اما به طور اختصار اگر بخواهیم فهرست وار به بخشی از زیان های مذاکره با آمریکا اشاره کنیم می توان از تضعیف قدرت منطقه ای و بین المللی در پی تضعیف نماد استکبار ستیزی ایران، تضعیف محور مقاومت و توان همپیمانان نظام، تلاش جریان غرب گرای درونی برای سوق دادن نظام به سمت و سوی مذاکره در سایر موضوعات آن هم به هر قیمت، کاهش تاثیر عملکرد ایران در تغییر هنجارهای بین المللی و نیز کاهش توان سهم خواهی ما در نظم جدید جهانی نام برد. بنابراین و با همه استدلالها و مطالبی که شرح آن گذشت، ایران از راه مذاکره با آمریکا به رابطه نمی رسد. چرا که در این میان یکی باید از مواضع خود عدول کند که این اتفاق شدنی نیست. پس این مذاکره با تضادی که در منافع استراتژیک آن هم به طور جدی وجود دارد نه تنها به نتیجه نمی رسد بلکه ضررها و زیان هایی را نیز به دنبال دارد.

باید پذیرفت و باور کرد که با وجود تضاد منافع استراتژیک در مذاکره نتیجه ای حاصل نمی شود. مثلا در موضوع هسته ای با تمام حساسیت هایی که وجود داشت با توجه به تغییراتی که در حوزه علم و تکنولوژی به وجود آمده مذاکراتی انجام شد. همین موضوع تا پیش از مطرح شدن «شیل گس»(۳) و «شیل اویل»(۴) و دیگر مباحث حوزه انرژی که نیاز جهان را به این مقوله تا سالهای سال تضمین کرد نمی توانست مورد مذاکره باشد چون انرژی هسته ای در آن مقطع به عنوان یک ضرورت برای تامین انرژی در آینده مطرح بود. طرف مقابل هم تنها نگران استفاده ما از انرژی هسته ای در ساخت بمب اتمی نبود بلکه می خواست ما در آینده به لحاظ انرژی وابسته به آنها باشیم. اما حالا وضع فرق کرده است. با این حال این مذاکره فقط مربوط به چنین بحث هایی می شود و هیچ گاه بر سر منافع استراتژیک نمی توان حتی مذاکره کرد.

■ با ترامپ چه باید کرد؟

نکته دیگری که اکنون در مسئله ایران و آمریکا سایه افکنده است حضور ترامپ به عنوان رئیس جمهور جدید آمریکاست. چه اینکه مواضع متفاوت ترامپ درباره برجام و دیگر موضوعات منطقه ای این سوال را ایجاد می کند که با ترامپ چه باید کرد؟

■ آیا رویکرد بوش و اوباما مانع از نبرد نظامی آمریکا با ایران بود؟

اولین احتمالی که برخی مطرح می کنند این است که ترامپ برجام را نقض می کند و درگیر جنگ با ایران می شود. جواب ما این است که این موضوع ممکن نیست و اساسا منتفی است. چون آنچه تا کنون مانع جنگ با ایران شده رویکرد بوش و اوباما نبود بلکه قدرت بازدارندگی ایران است و گرنه در همان جنگ ۳۳ روزه که به اعتقاد تحلیل گران جنگ نیابتی آمریکا با ایران خوانده می شود بنا بود تا با حذف حزب ا...، امنیت اسرائیل پس از حمله آمریکا به ایران تامین شود که میسر نشد. دومین دلیلی که می توانیم در رد احتمال ورود آمریکا به جنگ با ایران مطرح کنیم این است که اساسا آمریکا دیگر توان آغاز جنگ تازه ای را ندارد. دشواری میدان جنگ عراق و افغانستان و شکست های مختلفی که در گذشته با کشته های فراوان عاید آمریکا شده است این کشور را تضعیف کرده و دیگر حتی افکار عمومی جامعه آمریکا تحمل پذیرش رویارویی تازه ای را ندارد و به شدت مخالف دخالت نظامی آمریکا در کشورهای دیگر هستند. ترامپ هم در اظهار نظرهای مختلفی گفته است که ورود آمریکا به سوریه اشتباه است و باید این موضوع از طریق روسیه حل و فصل شود. البته ترامپ نگاه درون گرایی هم دارد و با اصرار بر همین رسیدگی به وضعیت داخلی آمریکا رای آورده است. ترامپ معتقد است آمریکا در حوزه تغییر رژیم ها در دنیا مسئولیتی ندارد.

■ احتمال لغو برجام، واقعا بالاست

اما فراتر از موضوع جنگ که به کلی رد می شود موضع غیر قابل پیش بینی ترامپ با مسئله برجام برای ما حائز اهمیت است. ترامپ قابل پیش بینی نیست. وی در موضوع برجام تا کنون چند مرتبه مواضع مختلفی اعم از نادیده گرفتن، پذیرفتن و یا بازنگری آن را مطرح کرده است. برای همین دو احتمال پیش روی ماست.

احتمال اول که لغو برجام است واقعا بالاست. چرا که ترامپ معتقد است برجام لطمه بزرگی به آمریکا زده است. در کنار این نگاه کنگره هم با ترامپ در این زمینه همسوست. همان زمان هم که هنوز برجام به امضا نرسیده بود در نامه ای به مسئولان ایرانی نوشت اگر برجام تصویب شود به محض اینکه قدرت پیدا کنیم آن را لغو می کنیم. بنابراین به نظر می رسد با این رویکرد ترامپ و کنگره عمر برجام کوتاه است و ممکن است به پایان دوره ترامپ نرسد. در این میان آن ها نگران مسائل حقوقی ماجرا هم نیستند چرا که اساسا برای ایشان موضوعیتی ندارد.

■ معادله پیچیده اروپا، ترامپ و برجام

با این حال تنها چیزی که مانع از پیشروی ترامپ برای لغو برجام می شود موضع اروپایی هاست؛ آنها به عنوان بخشی از این معادله تنها مسئله شان برجام نیست. آنها با ترامپ در مسائل مختلفی زاویه و اختلاف دارند. اما قطعا موضوع برجام جزو اولین تقابل های آنهاست که می تواند به عنوان یک تست در این فرآیند به میان آورده شود تا به نوعی عرصه زورآزمایی اروپا و آمریکا شود. اگر اروپا در این مسئله ضعیف وارد شود و شکست بخورد آنگاه تضمینی وجود ندارد که بتواند در سایر مسائل اختلافی نیز از پس ترامپ برآید. با این وصف به نظر می رسد اروپا در صورت لغو برجام توسط آمریکا در بازگرداندن تحریم ها همکاری نکند. اما این مسئله صرفا یک امر دولتی است و قطعا سرمایه داران و بخش خصوصی اروپا با توجه به ارتباطی که با آمریکا و بانکهای این کشور دارند ناچار به پیروی از تصمیم ترامپ هستند.

■ نگرانی اروپا از سلاح هسته‌ای ایران

از سوی دیگر اروپا علاوه بر اینکه دنبال برقراری تعامل منطقی و حل مشکلاتش با ترامپ است نگران امنیتش نیز هست. اروپا لغو برجام را به دلیل احتمال ورود ایران به موضوع تولید سلاح هسته ای نمی پسندد. اروپا نگران سلاح هسته ای ایران نیز هست.

■ نیاز امنیتی اروپا به ایران

از سوی دیگر آنها به ایران برای حل مسائل منطقه از جمله برخورد با داعش که برایشان خطر امنیتی مستقیم دارد، نیاز دارند. در حقیقت روی قدرت ایران در منطقه حساب کرده اند. برای همین اروپا با ترامپ همراهی نخواهد کرد. از این حیث دو راه پیش روی ترامپ قرار دارد: اول اینکه ترامپ مجبور شود فعلا تا مدتی با برجام کنار بیاید و یا اینکه بر اساس نظر خود عمل کند که البته زمان آن برای ما مهم است چرا که یک مقطع زمانی حساس، تقریبا ۶ ماه آینده پیش روی ترامپ قرار دارد. این زمان که زمان دستور توقف تحریم هاست برای ما هم مهم است و تکلیف را روشن می کند. آنجا ترامپ می تواند سکوت کند و چیزی نگوید. اما اگر دستور لغو تحریمها را ندهد که احتمالا چنین خواهد شد آن وقت نقض صریح برجام است و ما دیگر زیر بار اجرای آن نخواهیم رفت. اگر این اتفاق بیفتد با تحلیلی که ارائه شد اروپایی ها مقابله خواهند کرد و قوانینی که لغو کرده اند را برنمی گردانند. اما بانکهای اروپایی و فعالان اقتصادی اروپایی به خاطر مراوداتی که با بانکهای آمریکایی دارند با آمریکا همراه تر خواهند بود تا اروپا. اما همین که اروپا قوانین خود را همسو با لغو برجام به شکل دوره تحریم ها بازنگرداند برای ما کافی است. چرا که در رابطه ما با شرق و کشورهایی مثل روسیه، چین، هند، کره جنوبی و ژاپن این قوانین و تحریم های اروپایی در دسرساز شده بود. سوئیفت بود که ما را زمین زد و گرنه ما برای تعامل تجاری با کشوری مثل چین که رقیب آمریکاست اصلا مشکلی نداشتیم. برای همین عدم همراهی اروپا با آمریکا در لغو برجام و بازگرداندن قوانین دوره تحریمها در حالی که ما به خاطر نقض برجام توسط آمریکا دیگر متعهد به آن نیستیم فرصت مناسب تری را پیش روی ما خواهد گذاشت. آن وقت تلاش خواهیم کرد تا با استفاده از این حفره های قانونی با همین کشورهای شرقی فعالیت اقتصادی و تجاری برقرار کنیم. در این میان تصمیمات وزارت خزانه داری آمریکا و... هم در واقع برای اروپایی ها زحمت ایجاد خواهد کرد و کشورهایی مثل چین و... در این میان آسیبی نخواهند دید و از این حیث نیز مشکلی نخواهیم داشت. در گذشته هم تا زمانی که اتحادیه اروپا با تحریم ها همراهی نکرد برای ما مشکلی ایجاد نشد. شاید حتی بتوانیم اقتصاد خود را در این دوره مقاوم تر و با نگاه بیشتر به توان داخل اداره کنیم.

پی نوشت ها:

۱- رجوع کنید به راهبرد اتحادیه اروپا در قبال ایران European Parliament resolution on the EU strategy towards Iran) که در فروردین ۱۳۹۳ در این اتحادیه تصویب شد.

۲- از جمله اقرارهای مقامات آمریکایی به قدرت بازدارندگی حزب ا... لبنان، اظهارات اوباما در یک جلسه محرمانه با برخی رهبران یهودی در آمریکاست که تابستان سال ۲۰۱۵ در کاخ سفید مطرح شد و او تاکید کرد: «اگر توافق هسته‌ای رد شود و ما به ایران حمله کنیم، حزب ا... به سمت تل آویو موشک پرتاب می کند و اسرائیل متحمل فشار می شود. در تمامی سناریوها، اسرائیل متحمل فشارهای ناشی از حملات نظامی خواهد بود.»

۳- شیل گس یا گاز شیل (Shale gas) گازی است که در میان سنگهای سخت و ساختارهای شیل به صورت درگیر، محصور شده است و آزادسازی آن به استفاده از فناوری موسوم به شکست هیدرولیک نیاز دارد. این گاز به صورت روزافزون در حال کسب اهمیت بیشتری در آمریکا به عنوان منبعی برای گاز طبیعی است.

۴- نفت شیل (Shale oil) نفت نامتعارفی است که از گرماکافت، هیدروژنه کردن و انحلال گرمایی خرده های سنگ نفت زا (شِیل نفتی) به دست می آید. این فرآیندها مواد آلی درون سنگ (کروژن) را به نفت و گاز مصنوعی تبدیل می کنند. ذخایر شیل اویل و ماسه های نفتی بالاترین خطر را برای امنیت تولید نفت کشورهای عضو اوپک به همراه دارد.

آگهی ارزیابی کیفی (نوبت دوم)

شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی در نظر دارد از محل اعتبارات عمرانی در اجرای قانون برگزاری مناقصات و آئین نامه های اجرایی آن پروژه مشروحه ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به شرکتهای ذیصلاح واگذار نماید.

	مشخصات پروژه	مدت اجرا	مبلغ برآورد (ریال)
	خطوط فاضلابرو باقیمانده نواحی A۱ و A۳ بجنورد به طول ۱۱۲۱۰ متر با اقطار ۲۰۰ و ۲۵۰ میلی متر به همراه تهیه لوله و متعلقات و نصب انشعاب فاضلاب به تعداد ۱۰۰۰ فقره	۲۴ ماه	۳۷۱۴۶۰۸۵۵۱۵

۱- شرایط مناقصه گر: ۱-۱- داشتن گواهینامه صلاحیت رشته آب ۱-۲- داشتن گواهینامه صلاحیت ایمنی انجام کار از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

از کلیه شرکتهای پیمانکاری واجد شرایط دعوت می شود حداکثر ۳ روز پس از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت اسناد ارزیابی به سایت شرکت آب و فاضلاب خراسان شمالی به آدرس اینترنتی WWW.abfankh.ir و یا پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس: http://iets.mporg.ir مراجعه و اسناد ارزیابی را دریافت نمایند و ظرف مدت ۱۴ روز نسبت به تکمیل و تحویل اسناد ارزیابی به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان خراسان شمالی به نشانی: بجنورد- بلوار دولت جنب فرمانداری کوچه ورزش اقدام نمایند.

۲- سایر توضیحات: این ارزیابی بخشی از فرآیند مناقصه و انتخاب پیمانکار است و طی آن متقاضیانی که از نظر صلاحیت توان اجرایی مورد ارزیابی قرار گرفته و حائز شرایط باشند به منظور ارائه پیشنهاد مناقصه دعوت می گردند پس از ارزیابی کیفی و انتخاب مناقصه گران واجد شرایط، سایر اطلاعات (محل و مهلت دریافت اسناد مناقصه و ...) کتباً به اطلاع ایشان خواهد رسید.

بدیهی است ارسال مدارک در پاسخ به این آگهی هیچ گونه حقی برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد. ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب خراسان شمالی

۹۵۳۱۲۴۶۰/و

شرکت رینگ‌سازی مشهد برگزار می‌نماید
مزایده عمومی ضایعات دوره‌ای ۹۵۱۰۰۲

لیست اقلام
ورق‌های دم قیچی باقیمانده از پرس (ذوبی و صنعتی از ضخامت ۱/۸ تا ۱۴ میلیمتر باابعاد مختلف کنار رول) اقلام متفرقه (براده آهن- انواع گالن، بشکه فلزی و پلاستیکی- کارتن و پلاستیک مشمایی ضایعاتی- انواع دستکش مستعمل (درهم).
متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید و دریافت اسناد و ارائه پیشنهاد قیمت طی روزهای چهارشنبه مورخ ۹۵/۱۰/۲۹ لغایت یکشنبه مورخ ۹۵/۱۱/۳ از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۳ به آدرس: مشهد کیلومتر ۸ بزرگراه آسیایی- شرکت رینگ سازی مشهد- سازمان بازاریابی و فروش مراجعه نمایند.
ضمنا جهت کسب اطلاعات بیشتر به تارنمای شرکت به نشانی www.mwmco.com مراجعه و یا با شماره تلفن ۴-۰۵۱۳۶۵۱۶۰۰۱ و یا همراه ۰۹۱۵۳۱۶۸۵۷۰ تماس حاصل فرمایند.

سازمان بازاریابی و فروش

آ/۹۵۳۱۲۳۰۲

خوب سئوال کردن
یکی از مهارتهای مهم
فروشندگان حرفه‌ای است

آگهی مزایده

شهرداری نیشابور در نظر دارد نسبت به واگذاری چهار مورد جایگاه CNG و مرکز معاینه فنی از طریق برگزاری مزایده به اشخاص حقیقی یا حقوقی واجد صلاحیت قانونی و فنی برای مدت یکسال اقدام نماید. لذا از کلیه متقاضیان دعوت به عمل می آید جهت دریافت اسناد مزایده و اطلاعات تکمیلی به امور حقوقی و قراردادهای شهرداری نیشابور مراجعه نمایند

- مهلت دریافت اسناد مربوط به نحوه واگذاری و پیشنهاد قیمت از تاریخ درج آگهی لغایت ۹۵/۱۱/۲۰
- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات به دبیرخانه شهرداری واقع در نیشابور - میدان امام ۹۵/۱۱/۲۳
- هزینه آگهی مزایده ها به عهده برندگان می باشد.
- محل دریافت اسناد :نیشابور ، میدان امام ، شهرداری نیشابور ، امور حقوقی و قراردادها تلفن ۴۲۲۲۸۲۱۷-۰۵۱

ردیف	مکان واگذاری	مبلغ پایه مزایده ماهیانه	شماره اشتراک - شماره شناسایی
۱	جایگاه CNG واقع در خیابان فضل	۱۰۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۰۸۷۹۹۴۵۵۷-۷۴۷۰۷
۲	جایگاه CNG واقع درخیابان فرحبخش	۱۱۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۰۶۶۸۷۸۶۵۴-۵۳۳۵۰
۳	جایگاه CNG واقع در تقاطع ارگ و سیمتری طالقانی	۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۰۶۸۶۹۲۷۲۰-۵۵۱۹۲
۴	جایگاه CNG واقع در بلوار شهید سرایانی	۱۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۰۶۸۶۹۱۷۴۲-۵۵۱۹۰
۵	مرکز معاینه فنی خودرو سبک واقع در بلوار سیمتری طالقانی مقابل کلانتری	۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	-

هادی مسلمی - شهردار نیشابور

۹۵۳۱۱۸۵۳/ش

CMYK